

۱- لایه های عمیق و بنیادی جهان اجتماعی: لایه هایی هستند که در سطح کل جهان اجتماعی تأثیر گذار هستند و تأثیرشان 34 بسیار مهم و تعیین کننده است مانند نظام خانواده ، نظام تعیم و تربیت ، اصول دین ۲- لایه های سطحی جهان اجتماعی: لایه هایی هستند که نقش حیاتی و اساسی ندارند و امکان تغییر بیشتری دارند و در صورت تغییر یا حذف آنان تغییر عمده ای در جامعه به وجود نمی آید مانند آداب ازدواج ، مراسم به خاک سپاری مردگان ، لهجه ها و آداب محلی ، بازی های گروهی ، مراسم جشن تولد و ...

۳۳- چند نماد که در چند دهه ی اخیر در جامعه ی ایران بوجود آمده است را بنویسید.

نمادهای گفتاری و نوشتاری مانند گیر داده ، کیلیک کرده ، سه شده ، تابلو شده ، قز میت ، پاچه خواری ، اشاره ی انگشت شصت، لایک،

خلاصه درس ۵:

جهان های اجتماعی یکسان نیستند. تنوع دارند. چون آگاهی ها و کنش ها متفاوت اند. جهان اجتماعی جمع جامعه و فرهنگ است. چون اراده و میزان آگاهی انسانها متفاوت است جهان های اجتماعی نیز متفاوت هستند. انسان ها در برابر فرهنگ انتقالی نسل قبل منفعل نیستند بلکه فعال اند. با اراده در آن تغییر ایجاد می کنند.

عقاید و ارزش های جهان اجتماعی (لایه های عمیق فرهنگ) و هنجارها و مقررات اجتماعی و نمادها (لایه های سطحی فرهنگ) در طول زمان تغییر می کنند. وقتی جامعه بت پرست جاهلی عربستان به جامعه اسلامی پیامبر تبدیل می شود جامعه عربستان دچار تغییرات بنیادین و عمیق شده است. وقتی مدها و نمادها در جامعه ما تغییر می کنند دچار تغییرات سطحی شده است.

همه جوامع سرنوشت یکسانی ندارند. تاریخ یکسانی ندارند. شبیه هم حرکت نمی کنند. البته جهان های اجتماعی برهم اثر می گذارند و ارتباط دارند ولی در طول هم نیستند یعنی همه به یک روش و راه ثابت حرکت نمی کنند. برای حرکت و روند تغییرات جوامع دو الگو توسط جامعه شناسان مطرح شده است: ۱- الگوی حرکت و پیشرفت تک خطی (جهان های در طول هم): یعنی همه جهان های اجتماعی شبیه یکدیگرند و مسیر یکسانی را طی خواهند کرد. عقب مانده ها باید الگوی پیشرفته ها را در پیش بگیرند. همه جوامع در طول تاریخ شبیه هم حرکت و تغییر می کنند فقط برخی جوامع جلوترند و برخی عقب تر هستند. ۲- الگوی جهان های در عرض هم: یعنی جهان های اجتماعی متنوع اند و هر جهان اجتماعی ارزش ها و فرهنگ متناسب با خود را دارند و مسیرهای متفاوتی را طی می کنند. جوامع از روش و نوع حرکت یکسانی پیروی نمی کنند. مثلاً جوامع چین و هند و ایران و مصر از یکدیگر پیروی و روش یکسانی نداشته اند. در دیدگاه جهان های در عرض هم، جهان اجتماعی با دیگر جهان ها ارتباط فعال دارد و از تجارب آنها استفاده می کند بدون اینکه هویت خود را از دست بدهد. تجارب دیگران را بومی سازی می کند. (متناسب با شرایط خود تغییر میدهد.)

سوالات درس ۵

۱- چرا جهان های اجتماعی انسان ها یکسان نیستند و متنوع اند؟ پاسخ: چون آگاهی ، نیازها و اراده انسان

ها متفاوت است ، ارزش ها ، عقاید و فرهنگ های متفاوت به وجود می آید و چون فرهنگ ها متفاوت

هستند جهان های اجتماعی خواهند بود.

۲- جهان اجتماعی مثال بزنید که مبتنی بر تبعیض نژادی باشد؟ پاسخ: در گذشته در کشور آفریقای جنوبی

جهان اجتماعی برقرار بود که به آپارتاید می گفتند و در آن بین ساهان و سفیدپوستان بسیار تبعیض

وجود داشت. ۴ میلیون سفیدپوست از تمامی امکانات شغلی برتر و منافع مادی جامعه برخوردار بودند و ۲۰ میلیون سیاه پوست کارگروا طبقات پایین جامعه محسوب می شدند. حتی پارک ها و سینماها به ورت ناعادلانه بین آنها تقسیم شده بود.

نمونه دیگر تبعیض نژادی در دوران جاهلیت پیش از اسلام در جامعه عرب نشین وجود داشت که قبیله هایی ثروت مند و حاکم و بقیه طوایف و مردم تحت ستم و سلطه طبقه حاکم ثروت مند بودند.

۳- تفاوت های میان جهان های اجتماعی بر چه نوع تفاوت و تغییراتی است؟ پاسخ: در جهان های

اجتماعی برخی از تغییرات به وجود می آید. گاهی تغییرات در لایه های سطحی جامعه (هنجارها، نمادها و مدها) به وجود می آید مثلاً در رابطه با قوانین اجرایی، تغییرات زبانی و لهجه، فعالیت های اقتصادی و آموزشی ولی گاهی تغییرات در لایه های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی (عقاید، ارزش ها) به وجود می آید. اگر لایه های عمیق و محوری جهان اجتماعی تغییر کند جهان اجتماعی، جهان دیگری خواهد شد.

۴- چند نمونه تاریخی از تغییرات جهان اجتماعی در نوع عمیق و نوع سطحی آن بنویسید. پاسخ:

مثلاً وقتی ارزش ها و عقایدت پرستی در دوران جاهلیت عرب به توحید و عبادت پروردگاری کتبا جهان اجتماعی جدید اسلامی شکل گرفت. یعنی به صورت بنیادین جهان اجتماعی قبلی دگرگون شد و جهان اجتماعی جدیدی به وجود آمد. در لایه های سطحی به صورت مکرر و پیوسته تغییراتی به وجود می آید. نمونه آشکار آن تغییر نظام آموزشی است که هم اکنون دانش آموزان جدید آن راپایه دهم می نامند یا رشد اقتصادی، تولید کل، قیمت ها و... در یک جامعه هر سال نسبت به سال های دیگر افزایش یا کاهش می یابد و...

۵- آیا جهان های اجتماعی، تاریخ (سرنوشت و سرگذشت) یکسانی دارند؟ پاسخ: خیر، گذشته

اهداف، نیازها، سطح آگاهی و میزان اراده جوامع با یکدیگر متفاوت است.

۶- نگاه تک خطی به تاریخ بشر چگونه است؟ پاسخ: همه جوامع از راهی که طی می کنند شبیه

یکدیگرند. همانطور که موجود زنده مراحل یکسانی را در رشد خود طی می کند و دوران

تولد، طفولیت، کودکی، نوجوانی... پیری را طی می کند، جوامع نیز دوران تولد، کودکی تا پیری را دنبال می کنند و همه یک مسیر را می گذرانند. همه جوامع در یک خط هستند فقط برخی جلوترند و برخی عقب تر. جوامع عقب تر باید از الگوهای جوامع جلوتر استفاده کنند تا از وضعیت کنونی خود جلوتر روند. (دیدگاه عده ای از جامعه شناسان)

۷- نگاه مردم شناسان به تفاوت های جهان های اجتماعی چگونه است؟ پاسخ: برخی از جمله عده ای

از مردم شناسان معتقدند که هر جهان اجتماعی فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می آورد و بر اساس آرمان ها و ارزش های خود دچار تحولات می شوند. برخی از فرهنگ ها مانند گارتروند و برخی پس از مدتی از بین می روند. هر جهان اجتماعی مسیر و راهی مخصوص خود را طی می کند مثلاً جهان اجتماعی غرب، جهان اجتماعی اسلام. جهان اجتماعی چین، جهان اجتماعی هند و...

۸- نظریه استعمار با نظریه سیر تک خطی جوامع چه ارتباطی دارد؟ پاسخ: کشورهای استعمارگر نظریه

سیر تک خطی جوامع را مطرح می کنند تا مردم این کشورها به فکرایجاد و انتخاب مسیری متفاوت در آینده خود نباشند و همچنان از آنها الگو بگیرند و ادامه دهند آنها باشند و تحت سلطه جوامع استعمارگر باقی بمانند.

۹- چگونه به تنوع جهان های اجتماعی پی می برید؟ هنگامی که جوامع مختلف در نقاط گوناگون جهان را با فرهنگ ها، ارزش ها، عقاید و هنجار های متفاوت مشاهده می کنیم.

۱۰- جهان اجتماعی ما با جهان اجتماعی گذشتگان در چه زمینه هایی متفاوت است؟ در ارزش ها، باورها، هنجارها، نمادها، شناخت و اراده و کنش های اجتماعی متفاوت است.

۱۱- جهان اجتماعی چگونه پدید می آید؟ از طریق انسان های آگاه و خلاق که نسبت به فرهنگی که به آنها انتقال داده اند منفعل نیستند بلکه فعال، تاثیر گذار و خلاق هستند. معانی و شناخت های جدید به وجود می آورند. (مثلا پیامبر اسلام که جهان اسلام را به وجود آورد).

۱۲- ارزش های جهان اجتماعی اسلام را با ارزش های جامعه گروه تروریستی داعش مقایسه کنید؟ جهان اسلام بر مبنای عدالت، تقوا، برادری و برابری ولی گروه تروریستی حق حیات برای مخالفان قائل نیستند و دارای اندیشه های خودخواهانه، شیطانی، اساطیری و قوم مدارانه است.

۱۳- تهاجم فرهنگی به دنبال کدامیک از تغییرات جهان اجتماعی است؟ تهاجم فرهنگی به دنبال ایجاد تغییر در لایه های عمیق یک جهان اجتماعی است و تلاش می کند عناصر ثابت و محوری یک فرهنگ را تبدیل و تغییر دهد و هویت اصلی فرهنگ را نشانه می گیرد.

۱۴- جهان اجتماعی مدرنیته با جهان اجتماعی سنتی چه تفاوت هایی دارند؟ جوامع مدرنیته در لایه های سطحی به شدت به دنبال مد گرایی است و شیوه های معماری و پوشش و سایر جلوه های سبک زندگی با زندگی سنتی متفاوت است و لایه های عمیق و بنیادین این دو متفاوت است. مدرنیته به دنبال دنیا گرایی، جهانی شدن بوده است و جهان سنتی ارزش های معنوی را دنبال می کند.

۱۵- جهان اجتماعی مسیحیت در چه سطحی با یکدیگر تفاوت دارند. نمونه ذکر کنید؟ در لایه های سطحی مانند زبان و ادبیات، هنر، تغذیه، سرود ملی و نژاد با یکدیگر تفاوت دارند.

۱۶- چرا جهان اجتماعی با شکل های مختلف و فرهنگ های متفاوت وجود دارد؟ چون اراده و خواست

انسان ها با یکدیگر متفاوت است و ارزش ها و فرهنگ متفاوتی شکل می گیرد و شناخت انسان ها (معرفت) متفاوت

می شود.

۱۷ - جهان اجتماعی چگونه شکل می گیرد؟ از طریق فرهنگ شیوه ی ارتباط شکل می گیرد و با کنش گری فعال

انتقال میابد و جهان اجتماعی شکل می گیرد.

۱۸ جهان اجتماعی ممکن است دچار چه نوع تغییراتی شوند؟ ۱. تغییرات سطحی که درون جهان اجتماعی در

غالب هنجارها و نمادها و جنبه های ظاهری فرهنگ مانند: پوشش مسکن تغذیه و... به وجود می آید ۲. تغییرات

عمیقی که در آرمان عقاید و ارزشها به وجود می آید و موجب می شود جهان اجتماعی را به جهان دیگر تبدیل

کند. مثلاً: تغییری که در فرهنگ باستانی ایران انجام شد و ایران را اسلامی کرد.

۱۹ - چه نوع معانی محوری برای جهان اسلام می توان تصور کرد؟ ۱. توحید ۲. نبوت ۳. معاد

۲۰ - چه نوع معنایی می توان برای جهان جاهلی برشمرد؟ ۱. شرک ۲. بت پرستی ۳. نگاه نژادی و قبیله ای

و اصالت خون و نصب و تعصبات قومی

۲۱- جهان اجتماعی انسانی را با جهان اجتماعی حیوان ها چه تفاوتی دارد؟ فعالیت های جمعی حیوانات غریزی، غیر

ارادی، ثابت و یکنواخت است ولی حرکت های اجتماعی انسانها آگاهانه و ارادی است و زمان به زمان تغییر می کند.

۲۲- چرا انسان از نظر زیستی تقریباً شبیه به همدیگر هستند ولی از نظر اجتماعی متفاوت اند؟ چون انسانها از نظر

زیستی تابع جهان طبیعی هستند (که ثابت است) ولی از نظر اجتماعی اراده و معانی انسانها متفاوت است.

۲۳- سبب پیدایش جهان های مختلف اجتماعی چیست؟ آگاهی و فرهنگ انسانها که از طریق آموزش و تربیت منتقل می

شوند متنوع است و انسانها منفعل و بی اختیار نیستند.

۲۴- جوامع غربی از نظریه ی تک خطی چه سوء استفاده ای می کنند؟ چون تمامی جوامع باید مسیری همچون

جوامع غربی را طی کنند با این تلقین آنها را از خلاقیت و تغییرات اجتماعی بومی باز می دارند.

۲۵ - نمونه هایی از جهان های اجتماعی در عرض هم در ایران مثال بزنید.

تپه ی سیلک کاشان، شهر سوخته ی سیستان، تپه ی مارلیک و حسنلو هر یک مستقل از دیگری به شکوفایی رسیده اند.

۲۶ - چه دیدگاه هایی نسبت به رشد جوامع وجود دارد؟ ۱. جهان های اجتماعی در طول هم با نگاه تک خطی ۲.

جهان های اجتماعی در عرض هم

۲۷ برای جوامع در عرض هم مثال بزنید؟ جوامع اسلامی - غربی - چین و هند هر یک سابقه ی تمدن دارند ولی فرهنگ

آنها از یکدیگر جداست با وجود ارتباطی که با یکدیگر دارند مستقل از یکدیگرند.

۲۸- طبق نظریه ی تک خطی جوامع، جوامع چگونه تکامل می یابند؟ طبق این نظریه همه ی جوامع در مسیر 28

مشابه و واحدی حرکت می کنند، فقط ممکن است برخی پیشرفته تر و برخی عقب مانده تر باشند. فقط یک الگوس واحد

وجود دارد که همه ی ناگزیر هستند آن را طی کنند.

۲۹- نظریه استعمار چیست و محصول کدام از دیدگاه های پیشرفت حرکت جوامع است؟ کشورهای

غربی به نام ایجاد آبادانی برای جوامع غیر غربی، منابع و امکانات جوامع غیر غربی را استثمار (بهره کشی) می کنند. این

نظریه پیرو الگوی رشد و حرکت جوامع به صورت تک خطی است تا بتوانند به این جوامع بقبولانند که شما این مسیر را ادامه بدهید تا در آینده همانند ما به توسعه برسید.

۳۰- جهان اجتماعی و فرهنگ مدرسه‌ی شما چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟ فرهنگ و شیوه‌ی ارتباط ما، نمادها و پیام‌های ما را به وجود می‌آورد و ما به کمک آن جامعه‌ای به نام مدرسه را به وجود می‌آوریم. اگر ارتباط و زندگی مشترک نداشته باشیم جامعه‌یمان هم به وجود نمی‌آید.

۳۱- مصادیق فرهنگ شهر شما با فرهنگ دیگر شهرها چه تفاوت‌های دارد؟ نوع لباس و پوشش محلی، غذا‌های محلی، بازی‌های محلی، آداب و رسوم جشن‌های مردم شهرستان ما نشان می‌دهد که مصادیق فرهنگ‌ها با شهرهای دیگر فرق دارد.

۳۲- ویژگی فرهنگی که شهر شما را از دیگر شهرها متفاوت نشان می‌دهد چیست؟ آثار باستانی، پوشش محلی، لهجه‌ی مخصوص، صنایع دستی، عزاداری مخصوص، بازارهای گروهی و محلی

خلاصه درس ۶:

- جهان اجتماعی با آگاهی و اراده و کنش‌های افراد به وجود می‌آید ولی پس از تشکیل، پیامدها و الزام‌هایی ایجاد می‌کند که وابسته به اراده تک تک افراد نیست و این پیامدها موقعیت‌های فرصت‌ساز یا محدودکننده‌ای برای افراد ایجاد می‌کند.
- هر جامعه بنا بر سطح آگاهی خود، به اعضا فرصت‌هایی می‌دهد و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. هیچ جامعه‌ی بدون محدودیت نیست. فرصت‌ها و محدودیت‌ها دوروی یک سکه‌اند. هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت افراد پابرجا است، پیامدهای آن نیز باقی است. قوانین رانندگی که توسط انسان‌ها وضع شده است محدودیت‌هایی برای عبور و مرور ماشین‌ها و عابرین پیاده ایجاد می‌کند و از هر مسیر و به شکلی که افرادی خواهند نمی‌توانند حرکت کنند ولی در عوض فرصت تردد سالم و با امنیت را برایشان ایجاد می‌کند. هر زبان و ادبیاتی نیز محدودیت‌ها و فرصت‌هایی برای انتقال معانی و ایجاد ارتباط دارد. مثلاً گاهی یک ضرب‌المثل می‌تواند حجم زیادی از مطالب را به ذهن انسان انتقال دهد و فرصت‌های خوبی برای تبادل اندیشه‌ها فراهم می‌کند و گاهی برخی کلمات و جملات ممکن است ذهن انسان را از موضوعی منحرف کند و انسان دچار گیجی شود و از اصل مطلب دور شود. که این می‌تواند محدودیت باشد.
- شیوه زندگی انسان و جهان اجتماعی او متناسب با نیازها، اراده و سطح آگاهی‌اش تغییر می‌کند. (فرصت‌ها و محدودیت‌های جوامع متفاوتند). با تولد عضو جهان اجتماعی می‌شویم که قبل از ما توسط گذشتگان ایجاد شده ولی در برابر این جهان منفعل نیستیم و با اراده و آگاهی آن را گسترش یا تغییر می‌دهیم. (البته گاهی جهان اجتماعی نسبت به این تغییر مقاومت می‌کند).
- جهان اجتماعی تا زمانی پابرجاست که مشارکت اجتماعی وجود دارد.
- هر جهان اجتماعی عقاید و ارزش‌ها و فرصت‌ها یا محدودیت‌های خاص خود دارد که براساس آن می‌توان به ارزیابی آنها پرداخت.
- برخی استعدادهای معنوی را نادیده می‌گیرند (فرصت نمی‌دهند). برخی نیازهای مادی و دنیوی را نادیده می‌گیرند.
- فرصت‌ها شکلی از حقوق هستند و محدودیت‌ها شکلی تکلیف و وظیفه هستند.

- جهان متجدد، جهان غرب بعد از عصر رنسانس (حدود ۴۰۰ سال پیش که کم کم صنعتی شد) است این جهان متجدد که — دارای فرهنگ سکولار است دارای ویژگی هایی است که عبارت اند از: ۱- عقاید و ارزش ها فقط مربوط به این جهان مادی اند ۲- همه ظرفیت های انسان در خدمت دنیا به کار گرفته می شود. ۳- معنویت فراموش می شود.
- ارزش های جهان معنوی توحیدی: اعتقاد به خدای واحد است. جهان معنوی اساطیری: اعتقاد به چندین خداوند و قدرت های فوق طبیعی مثل سحر و جادو (یعنی از توحید و یگانگی خداوند انحراف پیدا کرده اند.) است.
- ماکس وبر جامعه شناس آلمانی ویژگی های جهان متجدد را این گونه برمی شمارد: ۱- رویکرد دنیوی (سکولار) و این جهانی یعنی فقط یک جهان مادی، قابل حس و تجربه را قبول دارند. ۲- بسط و توسعه عقلانیت ابزاری، یعنی از طریق عقل و تجربه و حس بتوانند بر طبیعت تسلط پیدا کنند و طبیعت را پیش بینی و کنترل کنند. به این نوع از عقلانیت، عقلانیت مدرن نیز گفته می شود. در این نوع عقلانیت هر چه توسط حس و تجربه اثبات و اندازه گیری شود علم است. ۳- زوال عقلانیت ذاتی یعنی ارزش ها و اهداف معنوی انسان ها اهمیت خودشان را از دست می دهند. (عقلانیت ذاتی اهداف معنوی زندگی انسان را شکل می دهد و معیارهایی برای اخلاق، دوستی، انسانیت، وفاداری و... است.) با کمک عقلانیت ذاتی می توانیم ارزش های جوامع مختلف را با یکدیگر مقایسه کنیم یعنی داوری ارزشی انجام دهیم. اگر عقلانیت ذاتی از بین برود امکان داوری ارزشی نیز از بین می رود. ۴- کنار رفتن قداست و پدیده های مقدس یعنی وقتی عقلانیت ذاتی زوال پیدا کرد دیگر هیچ پدیده ای در جامعه نزد مردم مقدس و فرا انسانی و الهی نخواهد بود. (به این ویژگی تقدس زدایی گفته می شود.) ۵- غلبه کنش های عقلانی به سمت اهداف دنیوی و مادی (کنار رفتن معیارهای اخلاقی و انسانی و الهی و صرفاً به عناصری توجه می شود که در اختیار و کنترل بشرند.) ۶- قفس آهنین یعنی انسان اسیر دست ساخته های خودش بشود به گونه ای که اختیار و آزادی و آرامش انسان را برهم بزند.

سوالات درس ۶

- ۱- آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد است؟ پاسخ: جهان اجتماعی در ابتدا جهت تشکیل خود تابع اراده افراد به وجود آورنده خود است ولی پس از ایجاد جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و اراده افراد نیست و پیامدهای الزامی (فرصت ها و محدودیت هایی) برای اعضای خود به وجود می آورد.
- ۲- آیا پیشینیان در ساختن جهان اجتماعی ما تاثیر گذار هستند؟ پاسخ: بله بخشی از جهان اجتماعی کنونی ما ساخته پیشینیان است و بخش هایی از آن را خودمان می سازیم.
- ۳- جهان اجتماعی چه پیامدهایی بر زندگی اجتماعی ما دارد؟ جهان اجتماعی موقعیت های جدیدی در قالب فرصت ها و محدودیت ها برای کنش ها و انتخاب های بعدی ما فراهم می کند.
- ۴- نیازمندی ساختن جهان اجتماعی جدید چیست؟ پیدایش و گسترش آگاهی و اراده های جدید
- ۵- تاچه زمانی پیامدهای جهان اجتماعی پابرجاست؟ تازمانی که مشارکت اجتماعی افراد در جامعه پابرجا باشد.

۶- آیا جهان اجتماعی به پیدایش و گسترش هر نوع آگاهی واراده ی نوین (جدید) در جامعه

اجازه بسط و توسعه می دهد؟ پاسخ: خیراگر این آگاهی های جدید خارج از چارچوب عقاید اصلی آن

جهان اجتماعی باشد اجازه بروز و بسط نمی یابد. مثلا در جامعه دینی اندیشه های ضد دینی و مادی گرایانه ممنوع هستند.

۷- پیامدهای اجتماعی فرصت سازند یا محدود کننده اند؟ پاسخ: پیامدهای اجتماعی هم فرصت

هستند و هم محدودیت. فرصت ها و محدودیت ها دوروی سکه هستند یکی از یکدیگر جدا نیستند. وقتی به چراغ قرمز راهنمایی و رانندگی برمی خوریم از یک سو محدودیت است و ما را متوقف می کند ولی از سوی دیگر به طرف مقابل امکان می دهد تا با آرامش و سلامتی عبور کند و البته بعدا همین برای ما اتفاق خواهد افتاد پس هر محدودیتی فرصتی در درون خود دارد.

۸- رابطه فرصت ها و محدودیت های اجتماعی را در زبان و ادبیات توضیح دهید: پاسخ: زبان ها

مملو از قواعد و پیچیدگی هایی هستند که یادگیری آنها را محدود و سخت می کند ولی همین محدودیت و اجازه ندادن به هر شکل تلفظ کردن و گفتار فرصت انتقال معانی پیچیده و برقراری ارتباط مناسب را به ما می دهد.

۹- آیا جهان های اجتماعی به صورت یکسان به انسان ها فرصت و محدودیت می دهند؟

پاسخ: خیر هر جهان اجتماعی بر اساس عقاید و ارزش های خود (لایه های عمیق) افق ها و ظرفیت های جدیدی برای انسان فراهم می کنند و ممکن است برخی از توانمندی های بشر را نادیده بگیرند. مثلا جهان های متعدد توانایی های فکری و روحی بشر که جنبه معنوی، دینی، الهی دارد را نادیده می گیرند و به آنها اعتقاد ندارند و گاهی آنها را مسخره می کنند و اجازه حضور در جامعه را نمی دهند.

۱۰- نمونه ای از فرصت ها و محدودیت های محیط خانواده خود بنویسید: پاسخ: من

در محیط خانواده خود در برابر پدر و مادر و خواهر و برادرم وظیفه کمک کردن، همراهی، احترام، محبت کردن و... را دارم و متقابلا انتظار دارم که آنها نیز همین وظایف را انجام دهند. محدودیت هایی که برای اطرافیانم فرصت ساز است.

۱۱- جهان های اجتماعی معنوی و جهان های اجتماعی غیر معنوی را از نظر فرصت ها

و محدودیت های اجتماعی مقایسه کنید؟ پاسخ: جهان اجتماعی معنوی برای ارزش های دینی

و معنوی فرصت بروز و گسترش فراهم می کند و ارزش های مادی گرایانه و دنیوی را محدود می کند. در جوامع مادی و غیر دینی ارزش های دنیوی و مادی فرصت دارند و ارزش های معنوی محدود شده و به کناری گذاشته می شوند. مثلا رعایت حجاب در جامعه اسلامی تشویق می شود ولی در جوامع غیر دینی محدود می شود و افرادی که حجاب اسلامی در برخی از اماکن حضور یابند.

۱۲- **منظور از جهان متجدد چیست؟** پاسخ: جهان اجتماعی که در غرب پس از دوره رنسانس

در حدود ۴۰۰ سال پیش شکل گرفت. (دوره ای که علم گرایی، دنیاگرایی، مصرف گرایی، لذت گرایی گسترش بسیار یافت و اندیشه های دینی و معنوی کنار گذاشته شد).

۱۳- **جهان متجدد بر اساس اندیشه های ماکس وبر دارای چه ویژگی هایی است؟** ۱-

رویکرد دنیوی (سکولار) و این جهانی یعنی فقط یک جهان مادی، قابل حس و تجربه را قبول دارند. ۲- بسط و توسعه عقلانیت ابزاری، یعنی از طریق عقل و تجربه و حس بتوانند بر طبیعت تسلط پیدا کنند و طبیعت را پیش بینی و کنترل کنند. به این نوع از عقلانیت، عقلانیت مدرن نیز گفته می شود. در این نوع عقلانیت هر چه توسط حس و تجربه اثبات و اندازه گیری شود علم است. ۳- زوال عقلانیت ذاتی یعنی ارزش ها و اهداف معنوی انسان ها اهمیت خودشان را از دست می دهند. (عقلانیت ذاتی اهداف معنوی زندگی انسان را شکل می دهد و معیارهایی برای اخلاق، دوستی، انسانیت، وفاداری و... است). با کمک عقلانیت ذاتی می توانیم ارزش های جوامع مختلف را با یکدیگر مقایسه کنیم یعنی داور ارزشی انجام دهیم. اگر عقلانیت ذاتی از بین برود امکان داور ارزشی نیز از بین می رود. ۴- کنار رفتن قداست و پدیده های مقدس یعنی وقتی عقلانیت ذاتی زوال پیدا کرد دیگر هیچ پدیده ای در جامعه نزد مردم مقدس و فرا انسانی والهی نخواهد بود. (به این ویژگی تقدس زدایی گفته می شود). ۵- غلبه کنش های عقلانی به سمت اهداف دنیوی و مادی (کنار رفتن معیارهای اخلاقی و انسانی والهی و صرفاً به عناصری توجه می شود که در اختیار و کنترل بشرند). ۶- قفس آهنین یعنی انسان اسیر دست ساخته های خودش بشود به گونه ای که اختیار و آزادی و آرامش انسان را برهم بزند.

۱۲ - **چگونه می توان جهانی جدید ساخت و آن را بسط داد؟** هر گاه فعالانه به کنش پردازیم و آگاهی و اراده را گسترش دهیم یعنی بر مبنای عقاید و باور ها، قواعد، مقررات، هنجار ها و نماد را شکل دهیم جهان اجتماعی جدید ایجاد و گسترش می یابد زیرا پیامد های الزامی آن جهان، با مشارکت اجتماعی بوجود آمده است.

۱۳- **چگونه یک جهان اجتماعی تغییر شکل می دهد؟** هر گاه پیامدهای الزامی و قواعد یک جهان اجتماعی تغییر کند، شکل جهان اجتماعی تغییر می کند.

۱۴- **خداوند در خصوص امکان تغییر شکل جهان اجتماعی چه می فرماید؟**

(ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یغیر ما به انفسهم) سوره رعد آیه ۱۱

خداوند حال قومی را تغییر نمی دهد تا آن که خود حال خود را تغییر دهند.

۱۵- **پدیده های اعتباری مثال بزنید که فرصت ساز باشند؟** چراغ قرمز راهنمایی و رانندگی به ظاهر محدودیتی است که موجب فرصت عبور سالم را به افراد را می دهد.

۱۶- در جهان متجدد ماکس وبر کدام عقلانیت رو به افول و کدام عقلانیت رو به افزایش است. چرا؟

از آن جا که جهان متجدد بر مبنای حس و تجربه بنا شده است عقلانیت ابزاری در آن از مفاهیم کلیدی به حساب می آید ولی عقلانیت ما فوق حسی شناخته شده نیست و روبه زوال می رود.

۱۷- نمونه ای از قفس آهنین ماکس وبر در فضای اطراف خود بنویسید. فناوری های ارتباطی جدید برخلاف گسترش ارتباطات و سهولت آن موجب ایجاد اعتیاد و اتلاف وقت برخی از افراد می شود.

۱۸- حجاب فرصت است یا محدودیت؟ چون از طریق آن می توان سلامتی جسم و روان را در جامعه ی آلوده ی کنونی حفظ کرد فرصت محسوب می شود.

۱۹- کدام یک از ویژگی های جهان متجدد فرصت (مثبت) و کدام یک محدودیت (منفی) است؟ توسعه ی عقلانیت ابزاری و غلبه کنش های عقلانی معطوف به هدف فرصت ساز و مثبت اند، ولی رویکرد این جهانی، قفس آهنین و زوال عقلانیت ذاتی محدودیت اند و طرد عناصر مقدس اگر به معنای اگر به معنای کنار گذاشتن خرافات باشد مثبت است و اگر به معنای کنار گذاشتن عناصر فوق طبیعی جهان و مقدسات باشد، محدودیت است.

۲۰- جهان اجتماعی با پیامدها و الزام ها چه رابطه ای دارد؟ جهان اجتماعی در آغاز با اراده و اعتبار انسان ها شکل می گیرد، ولی پس از تشکیل پیامدهای الزامی برای ما به دنبال دارد. مثلاً گروه دوستی را خودمان تشکیل می دهیم ولی پس از تشکیل باید معرفت و مردانگی گروه دوستی را رعایت کنیم

۲۱- چگونه ممکن است جهان اجتماعی دچار تغییر اجتماعی شود؟ زمانی که پیامدهای الزامی تغییر کند جهان اجتماعی نیز تغییر می کند مثلاً در کشور تونس الزام اطاعت از حکومت تونس تغییر کرد، نتیجه ی آن تغییر روابط اجتماعی و سیاسی جامعه شد.

خلاصه درس ۷

ارزش ها، راهنمای کنش های اجتماعی اند. وقتی به ارزش ها عمل کنند، ارزش ها به واقعیت تبدیل می شوند.

آرمان اجتماعی: به مجموعه اهداف و ارزش های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آن هستند. (تصور مطلوب اعضاء از وضعیت فرهنگ، سیاست، اقتصاد، خانواده و...)

قلمرو آرمانی فرهنگ و جهان اجتماعی: ارزش هایی که مردم از آنها جانب داری می کنند و رعایت آنها را لازم می دانند ولی در عمل ممکن است برخی از آنها نادیده گرفته شوند. (مانند اخلاص عمل و..). قلمرو واقعی فرهنگ و جهان اجتماعی: ارزش هایی که مردم به آن عمل می کنند. (احترام به والدین و...). هدف برنامه ریزان فرهنگی: ورود هر چه بیشتر آرمان ها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی است. اگر مردم مطابق آرمان های خود عمل کنند فاصله ی میان قلمرو واقعی و آرمانی کاهش می یابد.

مهم ترین آرمان ها و ارزش های جهان اسلام: عمل به حق و پرهیز از باطل است. عقایدی از جهان اجتماعی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و خرافی باشد باطل است. عقایدی که از نظر علمی صحیح و مطابق با فطرت انسان باشد، حق است.

ارزش های حق: اعتقاد به توحید، وفای به عهد، دفاع از عدالت و.. ارزش های باطل: ظلم، شرک، دنیا پرستی، بی عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران و.. حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی با علم متناسب با همان لایه شناخته می شود. حق و باطل بودن ارزش ها و عقاید کلان درباره انسان و جهان را باید با ابزار عقل و وحی شناخت نه با روش های علوم تجربی

جهان اجتماعی که علوم رافقط تجربی می دانند و عقل و وحی را روش معتبر علمی نمی دانند نمی توانند داوری ارزشی کنند. (از حق و باطل بودن ارزش ها سخن بگویند). و علوم اجتماعی که علم رابه علوم تجربی محدود نمی کند و از عقل و وحی هم استفاده می کند می تواند ارزش های جوامع را مقایسه (داوری ارزشی) کند.

قلمرو پدیده ها در جهان های اجتماعی متفاوت هستند. یعنی یک پدیده ممکن است در یک جهان آرمانی باشد و در جهانی دیگر واقعی (مثلا امنیت، سیاست و..). دیدگاه جهان های اجتماعی که علم رابه دانش تجربی محدود می کنند:

ما فقط می توانیم بودن یا نبودن این ارزش ها و پیامدهای اجتماعی و تاریخی آنها را بشناسیم و برای داوری ارزشی راهی نداریم.

آگاهی یا جهل، توجه یا عدم توجه مردم، ملاکی برای تشخیص حق یا باطل بودن ارزش، هنجار، کنش یا عقیده ای نیست. اگر جوامع حق را شناسند و به آن عمل نکنند، از حق گسسته و به سوی باطل گام برمی دارند.

حقایق خود ثابت اند ولی از جهت قرار گرفتن در قلمرو آرمانی و واقعی، تغییر پذیرند یعنی برای جهان های اجتماعی، امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد.

سوالات درس ۷

۱- فرهنگ واقعی و فرهنگ آرمانی را تعریف کنید. بخشی از فرهنگ که مردم به آن عمل می کنند فرهنگ واقعی جامعه است. بخشی از فرهنگ که مردم از آن جانبداری می کنند و رعایت آن را لازم می دانند اما به آن عمل نمی کنند فرهنگ آرمانی است.

۲- ملاک های تشخیص فرهنگ حق از باطل چیست؟

۱- قابل دفاع باشد ۲- مطابق فطرت و وحی باشد. ۳- از عقلانیت برخوردار باشد.

۳- در فرهنگ اسلامی مهم ترین ارزش های اجتماعی کدامند؟ ۱- عمل به حق ۲- پرهیز از باطل

۴- چگونه بخشی از فرهنگ آرمانی خارج از فرهنگ واقعی قرار می گیرد و بخش های داخل یک فرهنگ

آرمانی کدامند؟ با مثال تفسیر کنید. بخش هایی از فرهنگ آرمانی توسط مردم رعایت می شود و به آن عمل می کنند که

داخل فرهنگ واقعی است مثلاً خون ریزی نکردن و به ناحق خون نریختن که هم در فرهنگ واقعی و هم در فرهنگ آرمانی (یا احترام به والدین و...) اما بخش هایی از فرهنگ فقط آرمانی است و در عمل رعایت نمی شود یعنی خارج از فرهنگ واقعی است مثلاً غیبت نکردن و صرفه جویی و دروغ نگفتن که به صورت فرهنگ آرمانی است ولی در عمل اکثر مردم آن ها را رعایت نمی کنند.

۵- در چه صورتی ارزش ها به واقعیت تبدیل می شوند؟ پاسخ: وقتی مردم مطابق با ارزش ها عمل کنند.

۶- آیا تمام مردم به ارزش ها و آرمان های جامعه پای بند هستند و به آن عمل می کنند؟ پاسخ خیر برخی از مردم ارزش ها را در عمل رعایت نمی کنند. مثلاً در عمل به اخلاص اعتقاد ندارند.

۷- آرمان اجتماعی را تعریف کنید: به مجموعه اهداف و ارزش های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آنها هستند. (تصور مطلوب اعضای یک جهان اجتماعی نسبت به فرهنگ و سیاست و اقتصاد و خانواده و....)

۸- دو ابزار مهم برای شناخت عقاید در ارزش ها چیست؟ ۱- عقل ۲- وحی

۹- حقیقت را با واقعیت مقایسه کنید. ۱- حقیقت خارج از وجود انسان است ولی واقعیت درون تصور انسان است. ۲- حقیقت پدیده ای ثابت است و تحت تأثیر قرار نمی گیرد ولی واقعیت پدیده ای است که در بیرون روی داده و تحت تأثیر قرار می گیرد.

۱۰- در چه صورتی جوامع فرهنگ حق را از دست داده و به سوی باطل گام برمی دارند؟ اگر جوامع به حقیقت ایمان نیاورند و بر اساس آن عمل نکنند یا اگر ایمان خود به حقیقت و کنش هایی که بر اساس آن سازمان داده اند تغییر دهند فرهنگ حق را از دست داده و به سوی باطل گام برمی دارد.

۱۱- تعدادی از ارزش های فرهنگ باطل را نام ببرید. قدرت طلبی ، شرک ، نژادپرستی ، ثروت اندوزی ، انکار مبدأ الهی ، شقاوت ، تجاوز به حقوق دیگران ، دنیا پرستی ، ظلم ، بی عدالتی

۱۲- تعدادی از ارزش های فرهنگ حق را نام ببرید. دفاع از عدالت- حمایت از مظلومان- توحید- ربوبیت خداب سبحان نسب به همه ی مخلوقات - آزادی انسان ها و موانع سعادت.

۱۳- مدیران و برنامه ریزان فرهنگی جامعه از چه طریقی فرهنگ آرمانی را به عرصه ی فرهنگ واقعی وارد می

کنند؟ از طریق تحقق شرایط امر به معروف و نهی از منکر - استفاده بیشتر از افراد متخصص در عرصه ی رسانه ها - به مقتضیات زمان و مکان و نحوه ی ورود عناصر فرهنگی به جامعه توجه کنند - کمک به جامعه پذیری افراد جامعه

۱۴- کدام بخش از فرهنگ حق و کدام بخش باطل است؟ بخش هایی از فرهنگ که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد باطل و بخش هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد حق است.

۱۵- نقش مدیران و برنامه ریزان فرهنگی در جامعه چیست؟ تلاش می کنند از طریق نهادهای فرهنگی، تعلیم و تربیت لازم

را برای ورود فرهنگ آرمانی به عرصه فرهنگ واقعی فراهم آورند.

۱۶- چرا ماناچار به پذیرش حکمت الهی و وحی در تشخیص حق و باطل هستیم؟ چون عقلانیت ابزاری (حس و تجربه مادی) نسبی و محدود است.

۱۷- کدام جوامع نمی توانند از حق یا باطل بودن عقاید و ارزش ها سخن بگویند؟ چرا؟ جوامعی که علم را محدود به دانش تجربی و آزمون پذیری می دانند و عقل و وحی را به عنوان دو وسیله ی معرفت علمی معتبر نمی دانند و ارزش ها و عقاید اجتماعی را صرفاً پدیده های تاریخی می دانند که ملاکی برای داوری نسبت به درست و غلط بودن آنها نداریم.

۱۸- چند نمونه از عناصر فرهنگ حق که در اغلب جوامع حضور دارند نام ببرید: وفای به عهد، راستگویی، پرستش خدا، عدالت خواهی، گذشت، رعایت پوشش، دفاع از مظلوم، احترام به هموع، کمک به هم نوع،

۱۹- چه تفاوتی بین فرهنگ آرمانی و فرهنگ حق وجود دارد؟ حق یا باطل بودن فرهنگ (عقاید، ارزش ها، هنجارها، کنش ها) بر اساس آگاهی یا جهل، علاقه یا بی توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی شود. ولی فرهنگ آرمانی با اعتبار دادن و توجه مردم شکل می گیرد.

۲۰- عناصری از فرهنگ باطل که در فرهنگ آرمانی و واقعی ما وجود دارد را بنویسید: قبیله

گرایی، تجمل گرایی، پارتی بازی، قدرت طلبی، مال اندوزی، خودخواهی، برتری طلبی، خودمحوری

۲۲- آیا حقیقت با عدم تایید مردم در جامعه باطل می شود؟ خیر اگر حقیقت به واقعیت در نیاید نشان دهنده ی باطل بودن آن نیست. مقبولیت مردم نسبت به یک ارزش به معنای حقیقی بودن آن ارزش نیست.

۲۳- در چه صورتی حقیقت به حوزه فرهنگ واقعی راه پیدا می کند؟ در صورتی که جوامع عقاید و ارزش های حقیقی را به عرصه فرهنگ آرمانی در آورند و سپس به انها شکل هنجار و کنش دهند (حقیقت را به ارزش و عمل در آورند). حقیقت به حوزه ی فرهنگ واقعی راه پیدا می کند.

۲۴- چرا حقیقت در قلمرو واقعیت ثابت نیست؟ چون ممکن است حقیقت به صورت عقاید آرمانی و هنجارهای عملی (فرهنگ واقعی) در نیامده باشد. جامعه ممکن است از حقیقت انحراف داشته باشد و به سوی باطل برود.

۲۵- آیا آرمان ها و ارزش های مردم ایران با هنجارهایی که به کار می گیرند مطابق و هماهنگ است؟

خیر مردم همواره به آنچه خوب و آرمانی می دانند عموماً نمی کنند. ارزش های مشترک عملیاتی و اجرا نمی شوند. مثلاً اخلاص ارزش مشترک و پسندیده ی جامعه است که عمل کردن به آن توسط برخی از مردم ساده لوحی به حساب می آید.

۲۶- چگونه شما به عنوان یک دانش آموز و شهروند ایرانی می توانید آرمان های فرهنگی را به عرصه ی

فرهنگ واقعی وارد کنید. من به عنوان یک دانش آموز وقتی چیزی را خوب و آرمانی می دانم در عمل و رفتارهایم نشان دهم و فاصله ی بین حرف و عمل را کم کنم فردی هستم که به نزدیک شدن فرهنگ آرمانی به فرهنگ واقعی جامعه کمک کرده ام. اگر آنچه از معلمان و والدینم دریافت می کنم را عمل کنم به فرهنگ آرمانی واقعی شده ام پرداخته ام.

۲۷- اگر علوم اجتماعی محدود به معنای تجربی نباشد چه توانایی های پیدا می کند؟ داوری ارزشی انجام دهد. یعنی می تواند در مورد حق یا باطل بودن فرهنگ های مختلف داوری کند.

۲۸- اگر در جامعه ی محل زندگی شما فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی دچار تغییر شده است آن را توضیح دهید. در گذشته تحصیل دختران جنبه ی واقعی نداشته است و تحصیل فقط برای پسران مجاز شمرده می شد ولی امروز دختران نیز همانند پسران تحصیل می کنند فرهنگی که که آرمانی و درون فرهنگ آرمانی است.

۲۹- چرا ملاک حق و باطل بودن عقاید ، ارزش ها و کنش ها ، علاقه یا بی توجهی مردم جوامع نسبت به آنها نیست؟ علاقه یا بی توجهی مردم در قلمرو واقعیت است و تغییر پذیر ، ولی حقیقت ثابت است و ملاکی برای حقانیت یا باطل بودن ارزش هاست . انسان نمی تواند ملاک حقانیت را وضع کند ؛ خدا ملاک حقانیت و ملاک حق است.

۳۰ تلاش نهادهای فرهنگی در خصوص برنامه ریزی فرهنگی چگونه است؟ تعلیم و تربیت لازم را برای ورود فرهنگ آرمانی به عرصه ی فرهنگ واقعی فراهم می کند.

۳۱ ارزش های حق و باطل از چه جایگاهی برخوردارند؟ اغلب از ارزش های آرمانی تاریخ بشریت بوده اند و دو فرهنگ در سطح جهانی به وجود آورده اند. (فرهنگ حق و فرهنگ باطل)

۳۲ چرا خرافات را جزء فرهنگ باطل به حساب می آوریم؟ چون خرافات از نظر علمی صحیح و قابل دفاع نیست و با فطرت انسان مطابقت ندارد.

۳۳ در محیط زندگی خود ارزش های آرمانی مثال بزنید که بیرون فرهنگ واقعی باشند؟ اخلاص عمل ، نیکی به همه مخلوقات عالم ، شهر ما خانه ی ما

۳۴ چرا جوامعی که علم را محدود به علوم تجربی می دانند نمی توانند عقاید و ارزش های کلان درباری انسان و جهان را داوری کنند؟

چون از دو ابزار مهم شناخت عقاید یعنی عقل و وحی استفاده نمی کنند و ارزش ها و عقاید اجتماعی را پدیده های صرفاً تاریخی می دانند و صرفاً بودن یا نبودن آن ها را می شناسند و راهی برای داوری ندارند.

۳۵ ملاک حق یا باطل بودن ارزش ها و کنش های انسانی را چه چیزی تعیین می کند؟ حقیقت و مبدأ الهی
۳۶ ارزش هایی مثال بزنید که درستی و حقانیت آن ها با نظر آدمیان تغییر نمی کنند. عدالت ، آزادی ، توحید ، سعادت انسان ها

۳۷ ارزش های باطلی مثال بزنید که با موافقت آدمیان تغییر نمی کند و حقانیت نمی یابد. نژاد پرستی ، قدرت طلبی ، ثروت اندوزی ، شرک ، انکار مبدأ الهی ، برتر دانستن یک قوم

۴۰- چگونه بخشی از فرهنگ آرمانی خارج از فرهنگ واقعی قرار می گیرد و بخش های داخل یک فرهنگ آرمانی کدامند؟ با مثال تفسیر کنید. یخش هایی از فرهنگ آرمانی توسط مردم رعایت می شود و به آن عمل می کنند که داخل فرهنگ واقعی است مثلاً خون ریزی نکردن و به ناحق خون نریختن که هم در فرهنگ واقعی و هم در فرهنگ آرمانی (یا احترام به

والدین و...) اما بخش هایی از فرهنگ فقط آرمانی است و در عمل رعایت نمی شود یعنی خارج از فرهنگ واقعی است مثلاً غیبت نکردن و صرفه جویی و دروغ نگفتن که به صورت فرهنگ آرمانی است ولی در عمل اکثر مردم آن ها را رعایت نمی کنند.

۴۱-حقیقت را با واقعیت مقایسه کنید. ۱-حقیقت خارج از وجود انسان است ولی واقعیت درون تصور انسان است. ۲-حقیقت پدیده ای ثابت است و تحت تأثیر قرار نمی گیرد ولی واقعیت پدیده ای است که روی داده و تحت تأثیر قرار می گیرد.

۴۲-در چه صورتی جوامع فرهنگ حق را از دست داده و به سوی باطل گام برمی دارد؟ اگر جوامع به حقیقت ایمان نیاورند و بر اساس آن عمل نکنند یا اگر ایمان خود به حقیقت و کنش هایی که براساس آن سازمان داده اند تغییر دهند فرهنگ حق را از دست داده و به سوی باطل گام برمی دارد.

خلاصه درس هشتم:

هویت پاسخی برای من کیستم، است. وجوه تمایزبخش مانسبت به دیگران. هویت ویژگی های فردی و اجتماعی دارد که در وجود فرد خود را نشان می دهد. هویت آگاهانه است ولی انسان ها همه هویت شان رانمی شناسند. هویت داشتن ویژگی های متعدد به صورت کل یکپارچه و واحد است. گاهی برخی از ویژگی ها و لایه های وجودی خودمان رانمی شناسیم (باید در موقعیت های مختلف قرار بگیریم تا ابعاد مختلف هویتی ما شکل بگیرد. مثلاً تا ما در فعالیت های ورزشی شرکت نکرده باشیم نمی توانیم بفهمیم که استعداد ورزشی خوبی داریم یا خیر)

بخشی از هویت مان ثابت است و بخش بزرگی از آن متغیر است که خودمان آنها رامی سازیم. بخشی فردی و بخشی اجتماعی است. برخی از ویژگی ها رابه ما نسبت می دهند و برخی را خودمان کسب می کنیم. هویت فردی دو بخش جسمانی و نفسانی (روانی) دارد. هویت فردی (با دو بخش جسمانی و روانی) با هویت اجتماعی رابطه متقابل دارند. هویت اجتماعی هر فرد درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش های آن شکل می گیرد. در جهان اجتماعی اسلام هویت اجتماعی افراد بر مبنای تقوا، عدالت و علم ارزیابی می شوند. در جهان اجتماعی دینی، هویت افراد، براساس ارزش های دینی ارزیابی می شود. در جهان اجتماعی سرمایه داری، هویت افراد بر مبنای ثروت و توان اقتصادی ارزیابی می شود. در جهان اجتماعی قبیله ای، هویت اجتماعی افراد براساس جایگاه قبیله ای ارزیابی می شود.

بعد جسمانی هویت مان بر بعد نفسانی تأثیر می گذارد مثلاً وقتی گرسنه هستیم اعصاب مان خوب کار نمی کند. بعد نفسانی نیز بر بعد جسمانی مان تأثیر دارد. مثلاً وقتی غمگین هستیم اشتها به غذا نداریم. بعد جسمانی و طبیعت بر بعد اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیر دارد مثلاً آب و هوای شمال یا جنوب کشور در فرهنگ لباس پوشیدن، غذا خوردن و خانه سازی مردم تأثیر می گذارد. بعد نفسانی و روانی نیز بر بعد اجتماعی و فرهنگی جامعه تأثیر دارد. مثلاً قدرت روحانی و ذهنی پیامبر موجب به وجود آمدن یک جامعه و فرهنگ اسلامی شد. بعد اجتماعی و فرهنگی بر بعد جسمانی و طبیعت تأثیر دارد مثلاً زندگی اجتماعی انسان های امروزه سلامت جسمانی و طبیعت را تهدید می کند. بعد اجتماعی و فرهنگی بر بعد نفسانی و روانی انسان ها تأثیر دارد مثلاً زندگی در برخی از جوامع موجب پرخاشگر شدن یا افسردگی افرادی شود.

نگاه دنیوی جهان متجدد به طبیعت: هر دخل و تصرفی در طبیعت مجاز است برای بهره برداری بیشتر

نگاه جهان معنوی اسلام به طبیعت: طبیعت موجودی زنده و نشانه خداست. انسان در طبیعت خلیفه خداست تا با اراده خدا در آن آبادانی انجام دهد. هر جهان اجتماعی با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی سازگار است و به آن امکان رشد می دهد یا ناسازگار است و امکان رشد را تضعیف می کند.

ویژگی های فرهنگی جهان متجدد با ویژگی ای اخلاقی و معنوی سازگار نیست. (مثلاً رفاه طلبی و تجمل گرایی با قناعت و تقوا سازگار نیست.)

برای شناخت خود از دیگران (والدین، دوستان، مشاوران، روان شناسان، روان کاوان، جامعه شناسان، انسان شناسان، فیلسوفان) کمک می گیریم. در شناخت هویت نظریات متفاوت و امکان خطا وجود دارد.

سوالات درس هشتم:

۱- هویت چیست؟

به مجموعه ویژگی ها و خصوصیات هر فرد که خود را با آنها می شناسد هویت گفته می شود. وجوه تمایز بخش افراد نسبت به یکدیگر را هویت افرادی نامند.

۲- افراد در موقعیت های مختلف خود را چگونه معرفی می کنند؟

باهوش؛ زرنگ؛ تنبل؛ بی نظم؛ فهمیده؛ بی مبالا؛ کارمند؛ سریع؛ پزشک؛ معلم و...

۳- انواع ویژگی های هویت را نام ببرید.

اکتسابی، انتسابی، ثابت، متغیر، فردی، اجتماعی

۴- هر یک از ویژگی های هویتی، انتسابی، اکتسابی، فردی، اجتماعی، ثابت و متغیر را با ذکر مثال توضیح دهید.

ویژگی هایی که در ایجاد آن موثر نبوده ایم پس از آن هم نمی توانیم در آن موثر باشیم، ویژگی های انتسابی اند مانند پسر بودن، دختر بودن، پردایی، دختر عمه، متولد تهران، سفید پوست، سیاه پوست، زشت بودن، زیبا بودن، آفریقایی تبار، چینی تبار ایرانی، یتیم، نوجوان، کودک

ویژگی هایی که در ایجاد آن ها موثر هستیم ویژگی های اکتسابی اند، مانند: پدر، مادر خوش اخلاق، مهندس معلم، کشاورز، بخشنده، خون گرم، تنبل، سر به هوا، امین، فهمیده، وراج، بی نظم، وقت شناس

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

ویژگی هایی که شخصی و متعلق به یک فرد است، ویژگی های فردی هستند. مانند: مرد، زن، پسر، بچه، قدبلند، تپل، کله پوک، پزشکی، قصاب، راست گو، زبل خان، باشخصیت، شوخ طبع

ویژگی هایی که بدون حضور در اجتماع به دست نمی آید، ویژگی های اجتماعی اند مانند: ایرانی، روستایی، شهری، رئیس جمهور، فوتبالیست.

ویژگی هایی که قابل تغییر نیستند را ویژگی های ثابت گویند مانند: پسر، دختر، زن، مرد، ایرانی الاصل، آمریکایی تبار، متولد تیرماه، سیاه پوست

ویژگی هایی که قابلیت تغییر در موقعیت های مختلف را دارند ویژگی های متغیر هستند مانند: دانشجو، دانش آموز، زرننگ، کشاورز، معلم، مهربان، نماینده مجلس، رئیس جمهور، تاجر، معلم

۵- نسبت هویت فرهنگی و هویت اجتماعی را تحلیل کنید.

هویت فرهنگی مامجموعه ای از آرمان ها، ارزش ها، عقاید و باورهایی است که ما را از دیگران متمایز می سازد. هویت اجتماعی ما مجموعه ای از نقش ها، هنجارها و رفتارهای اجتماعی است که ما را نسبت به دیگران متمایز می سازد. هویت فرهنگی و هویت اجتماعی افراد دوروی شخصیت و هویت ما هستند. هویت اجتماعی ما در بستر هویت فرهنگی مان شکل می گیرد و بروز می کند. مثلاً یک پدر ایرانی مسلمان و وظایف و تکالیف نقشش با یک پدر آمریکایی مسیحی متفاوت است.

۶- خودتان را از ابعاد مختلف هویتی معرفی کنید.

پسر، ۱۶ ساله، ایرانی زرننگ، چاق، قد متوسط، درس خوان، شوخ، خوش اخلاق با مرام، ایرانی، نوجوان، شهری، پولدار

۷- در چه صورتی هویتی استمرار نخواهد داشت؟

INSTAGRAM : FARA_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

در صورتی که همه ی ابعاد هویت انسان تغییر پیدا کند.

۸- آیا هویت افراد ابعاد تقریباً ثابتی دارد؟

هر فرد با آن که در طول زندگی خود تحولات و تغییرات بسیاری را پشت سر می گذارد می داند همان شخصی است که همه ی آن تغییرات را پذیرفته است مثلاً با وجودی که دوران کودکی و نوجوانی را پشت سر گذاشته ایم می دانیم همان فردی هستیم که الان ۴۰ ساله شده ایم.

۹- چرا هویت همواره ابعاد ثابتی دارد؟

چون با ورود تغییرات و تحولات زندگی ویژگی های ثابت ما تغییر نمی کنند. مثلاً مرد بودن، پسر حاج حسین بودن، ایرانی بودن،

متولد ۱۳۵۰ بودن. متولد تهران بودن

۱۰- بخش آگاه (آشکار) و ناآگاه (پنهان) هویت را با ذکر مثال توضیح دهید.

هویت آشکار: بخشی از ویژگی های هویت ما، که آن را می شناسیم یا دیگران به آن پی می برند. مثلاً می دانیم که در دروس حفظ کردنی قوی تر از دروس محاسباتی و حل کردنی هستیم.

بخشی از هویت و ویژگی هایمان که از آن ها بی اطلاع هستیم هویت پنهان و ناشناخته ماست. مثلاً تا امروز نمی دانستیم که سریع ترین دوندۀ ی کلاس اولی با شرکت در مسابقه ی جمعی به این نکته پی بردم. شاید اگر در مسابقه شرکت نمی کردم هرگز به این موضوع پی نمی بردم.

۱۱- مادر کدام بخش از ویژگی های هویتی مان نقشی نداریم؟ ویژگی هایی که مربوط به مکان و زمان تولد است. ویژگی های جنسیتی (زن بودن، مرد بودن)

۱۲- مثالی بزنید که نشان دهد برخی از ویژگی های هویتی ما تغییر می کند؟ برخی از ویژگی های اجتماعی که مربوط به جایگاه و موقعیت اجتماعی است مانند هویت شغلی. برخی از ویژگی ها که مربوط به سن افراد است مثلاً کودکی، نوجوانی، جوانی و...

۱۳- ما درباره ی ویژگی هایمان که از وجودشان آگاه (واقف) نیستیم چگونه عمل می کنیم؟

تامل می کنیم (فکر می کنیم) و گاهی از دیگران برای شناخت بهتر از خودمان کمک می گیریم و درباره ی نقاط قوت و ضعفمان آگاه می شویم. مثلاً نزد مشاوره، روان کاو، جامعه شناس، پزشک، روان شناس می رویم.

۱۴- جامعه شناسان و انسان شناسان درباره ی کدام ابعاد انسان بحث می کنند؟

درباره ی ابعاد اجتماعی و فرهنگی هویت انسان ها.

۱۵- وجود نظریات مختلف درباره هویت افراد نشان گر چیست؟

در شناخت هویتی خود و دیگران دچار خطا و اشتباه شده ایم.

۱۶- پیامبران و اولیای الهی درباره ی کدام ابعاد هویتی انسان ها سخن گفته اند؟

ابعاد الهی، فردی و اجتماعی انسان ها و غفلت و فراموشی از هویت حقیقی انسان ها

۱۷- مطالبی بیان کنید که نشان دهنده ی نظریات پیامبران الهی، فیلسوفان، روان شناسان، انسان شناسان و جامعه شناسان درباره ی غفلت و فراموشی انسان ها از هویت واقعی شان باشد.

نظر جامعه شناسان: غفلت از هویت ملی می تواند باعث تزلزل نظام اجتماعی شود. هویت اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و در عصر حاضر این انتقال با مشکل روبه روست.

نظر انسان شناسان: هویت فرهنگی کلید فهم نظام اجتماعی است و غفلت از هویت فرهنگی تهدیدی جدی برای جامعه است. هویت سردرگم و بحران زده نسبت به جامعه تعهدی ندارد.

نظر پیامبران: مردم خوابند وقتی می میرند بیدار می شوند (حضرت محمد صل الله علیه و آله)

حضرت امام حسین علیه السلام - در دعای عرفه: کسی که تو را یافت چه چیزی را گم کرد و کسی که تو را گم کرد چه چیزی را یافت.

انسان ظرفیت زیادی دارد و انسان می تواند خلیفه ی الهی در زمین باشد. باید با استفاده از تعلیمات الهی فطرت و سرشت خداشناسی را تقویت کرد، تابه خدای رسید.

نظر روان شناسان: فراموشی توانایی ها و شناخت انسان ها را کاهش می دهد و موجب بیگانگی از خود می شود. داشتن هویت موجب احساس ثبات درونی می شود.

نظر فیلسوفان: فراموشی و یکنواختی موجب بیگانگی از خود و بیگانگی از جامعه می شود به نحوی که فرد هویت جمعی و جایگاه اجتماعی خود را گم می کند. هرچه اعتباریات فرد افزایش یابد خودشناسی و خداشناسی فرد افزایش می یابد.

۱۸- در مراسم خواستگاری خانواده ی دختر و پسر در پی شناخت چه مواردی هستند؟

شناخت شغل - موقعیت خانوادگی ، ویژگی های فردی (جسمانی، ظاهری و اخلاقی، روانی) یکدیگر هستند.

۱۹- انواع هویت فردی را با مثال توضیح دهید.

هویت فردی جسمانی که شامل مواردی از قبیل وزن ، قد ، گروه خونی ، سال تولد ، رنگ چشم ، رنگ مو ، تیپ و هیكل زنگ بدن ، نوع مو می شود.

هویت فردی غیر جسمانی که شامل صفات اخلاقی و روانی به طور کلی نفس آدمی است مانند: پشت کار ، دل گرمی ، اخلاص ، ایمان ، شاکر بودن ، تقوی ، بی دینی ، مهربانی ، ترش رویی و عبوس ، خیالاتی ، عصبی ، افسرده ، مجنون ، عابد ، پرهیز کار ، سخاوتمند.

WEB : FARAHOOSH99.IR

۲۰- منظور از هویت اجتماعی چیست؟ با ذکر مثال توضیح دهید.

شناخت و هویتی که با حضور دیگران شکل می گیرد و جامعه قواعد آن را تعریف می کند. صفاتی که ریشه در جامعه و فرهنگ دارد و در جهان اجتماعی شکل می گیرد (هویتی که نشان دهنده نقش ها، هنجارها، وظایف و تکالیف اجتماعی و رفتارهای اجتماعی است). مثلاً پدر خانواده ، دختر ارشد خانواده ، پسر کوچک خانواده ، مادر بزرگ ، زن عمو ، دایی ، عمه

۲۱- چند نقش خانوادگی خود را نام برده و برای هر یک وظایف (تکالیف) و حقوقی بنویسید.

فرزند، دختر خانواده، پسر خانواده، برادر، خواهر تکالیف: کمک به والدین، کمک به خواهر و برادران، احترام به گذاشتن اطاعت کردن، همدلی با اعضای خانواده، حقوق نقش: تامین هزینه های زندگی توسط والدین، تربیت صحیح، نام نیکو داشتن، مورد مشورت قرار گرفتن.

۲۲- ابعاد متمایز هویت انسان را نام ببرید: ابعاد جسمانی (بدن)، ابعاد نفسانی (روانی، اخلاقی)، ابعاد اجتماعی (نقشهایی که ایفای کنیم و گروه هایی که عضو هستیم).

۲۳- آیا بخش های فردی و اجتماعی هویت با یکدیگر ارتباط دارند و بر هم اثر می گذارند؟

بله هر یک از این دو بر یکدیگر اثر می گذارند. جامعه در برابر ویژگی های فردی ما واکنش نشان می دهد و آن را تایید یا رد می کند. هویت فردی افراد هم در جامعه در روابط اجتماعی مردم تاثیر گذار است.

۲۴- بین ویژگی های جسمانی افراد و خصوصیات روانی افراد چه رابطه ای وجود دارد؟ در این رابطه مثال بزنید.

بین ویژگی های جسمانی و ویژگی های روانی رابطه ای متقابل وجود دارد و هر یک بر دیگران اثر می گذارد. بسیاری از بیماری های جسمانی سلامت روانی انسان را به خطر می اندازد مثلاً زیادی غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان و کم کاری غده تیروئید موجب تبلی فرد می شود و یا اضطراب ها ریشه در عوامل جسمانی دارند. همچنین با تقویت روحیه روانی می توان برخی بیماری ها را کاهش داد.

۲۵- تاثیر متقابل جهان اجتماعی و طبیعت (بدن انسان) را با ذکر مثال توضیح دهید.

محیط طبیعی و جغرافیایی بر مناسبات و روابط اجتماعی اثر می گذارد. شرایط طبیعی و خصوصیات بدنی انسان فرهنگ های مختلفی را شکل می دهد مثلاً آب و هوای مرطوب و گرم جنوب کشور در هنر موسیقی، شیوه زندگی، معماری، شیوه غذا پختن و فعالیت های اقتصادی مردم اثر گذاشته است.

فعالیت ها و کنش های اجتماعی انسان ها هم موجب بهبود محیط زیست یا نابودی آن می شود مثلاً با فعالیت های کارخانه آب و هوا آلوده می شود.

۲۶- تاثیر متقابل جهان اجتماعی و ویژگی های انسانی و روانی افراد جامعه را تحلیل کنید.

این دو با یکدیگر تعامل و تاثیر متقابل دارند. خصوصیات روحی روانی افراد مسیر زندگی اجتماعی و تحولات فرهنگی تاریخی انسان را دگرگون می سازد مثل انسان های با تقوایی که جهان را تغییر می دهند یا انسان های با شقاوتی که جهانی را نابود می کنند. جهان اجتماعی هم در خصوصیات روحی افراد اثر می گذارد و امکان رشد برخی فضایل یا ردائل را از بین می برد یا افزایش می دهد.

۲۷- آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است؟

خیر هر جهان اجتماعی بر اساس عقاید و آرمان ها و ارزش های خود هماهنگ باشد سازگار است.

۲۸- هر جهان اجتماعی بر چه اساسی شکل می گیرد؟ و چگونه سامان می یابد؟

هر جهان اجتماعی براساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های کلان خود شکل می‌گیرد و براساس آن‌ها قواعد، هنجارها نهادها و سازمان‌های جامعه سازمان می‌یابد.

۲۹- هویت اجتماعی هر فرد چگونه شکل می‌گیرد؟

هویت اجتماعی هر فرد براساس عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی که در آن زندگی می‌کند شکل می‌گیرد.

۳۰- در جامعه‌ی قبیله‌ای هویت جمعی افراد بر چه مبنایی مشخص می‌شود؟

بر مبنای جایگاه قبیله‌ی آن‌ها

۳۱- در جامعه‌ی سرمایه‌داری هویت اشخاص بر چه مبنایی شناخته می‌شود؟

بر مبنای ثروت و توان اقتصادی آن‌ها

۳۲- در جامعه‌ی دینی هویت جمعی افراد بر چه مبنایی قرار دارد؟

بر مدار ارزش‌هایی است که آن دین مقدم می‌شمارد. مثلاً اسلام در فرهنگ آرمانی خود هویت افراد را با علم ریال تقوی، و عدالت ارزیابی می‌کند.

۳۳- نگاه جهان متجدد به طبیعت را با نگاه جهان معنوی مقایسه کنید.

جهان متجدد به طبیعت به عنوان یک ماده‌ی بی‌جان برای تصرف و خدمت گرفتن نگاه می‌شود و به دنبال بهره‌وری بیشتر از طبیعت است در جهان معنوی اسلام طبیعت موجودی زنده نشانه‌ی خداست و انسان به عنوان خلیفه‌ی خدا بر اساس اراده‌ی خدا تصرف در طبیعت دارد و حق ندارد مخالف اراده‌ی الهی در طبیعت و جسم خود تصرف کند.

۳۴- جهان اجتماعی چگونه زمینه‌ی پیدایش و رشد هویت را فراهم می‌سازد؟ با مثال توضیح دهید.

هر جهان اجتماعی با هویت اخلاقی و روانی خاصی سازگار است و زمینه‌ی پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد انواع دیگر ویژگی‌ها و هویت را از بین می‌برد. مثلاً چون جهان متجدد دارای ارزش‌های دنیوی و مادی است در ورزش به اخلاق پهلوانی و مروت بهانمی دهد.

۳۵- جهان اجتماعی غرب چه نوع هویت اخلاقی و روانی را رشد می‌دهد؟

جهان غرب با رویکرد این جهانی خود با آن دسته از اوصاف (هویت) اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل می‌گیرند مثلاً دم‌غنیمت‌شماری، تبرج، تجمل‌گرایی، اخلاق قهرمانی

۳۶- جهان اجتماعی و دنیوی با چه نوع هویتی سازگار است و آن را رشد می‌دهد و با کدام هویت ناسازگار است؟

جهان غرب ارزش‌های دنیوی فردگرایی، رفاه‌طلبی، تجمل‌گرایی و مال‌اندوزی را رشد و گسترش می‌دهد و جهان اجتماعی معنوی با ارزش‌های دنیوی سازگار نیست و ارزش‌های همچون قناعت و حیا و تقوا و خوف و رجای الهی را رشد و گسترش می‌دهد و با آنها سازگار است.

۳۷- اخلاق پهلوانی را با اخلاق قهرمانی در ورزش جهان مقایسه کنید.

ایثار- گذشت- مروت- تواضع- جوانمردی- انسانیت= اخلاق پهلوانی جهان اسلام که با ارزش قرب الهی (نزدیک شدن به خدا) و شکوفا شدن اخلاق هماهنگ است.

دلالتی، دوپینگ، سود، مدال و جایزه، معروف شدن، رتبه و تشویق، شهرت و فخر فروشی (تفاخر)= اخلاق قهرمانی جهان جدید که با ارزش های مادی و دنیوی هماهنگ است.

۳۸- اخلاق قهرمانی و اخلاق قهرمانی با کدام ارزش های اجتماعی تناسب دارند؟

اخلاق پهلوانی با ارزش های جهان معنوی سازگار است که باورهای معنوی در آن اولویت دارند و باورهای جسمانی در رده ی دوم هستند و وسیله ای برای ارزش های متعالی دینی اند. اخلاق قهرمانی با ارزش های جهان دنیوی سازگارند که در آن باورهای جسمانی مهم اند و هدف هستند نه وسیله

۳۹- منظور از خودآگاهی یا ناخودآگاهی در هویت چیست؟ بخشی از ویژگی های هویتی مان که آنها را می شناسیم و به آنها پی برده ایم بخش خودآگاه ماست و بخشی از ویژگی های ما که هنوز نسبت به آنها آگاهی نداریم و بر ایمان پنهان است بخش ناخودآگاه می گوئیم.

۴۰- افراد چقدر خود و موقعیت شان را به درستی می شناسند؟ و شناخت خودآگاهی چه تاثیرات اجتماعی

دارد؟ کودکان شناخت کمتری از موقعیت اجتماعی دیگران دارند و هرچه ارتباطات اجتماعی افراد بیشتر شود شناخت نسبت به موقعیت اجتماعی دیگران هم افزایش می یابد. هرچه افراد بیشتر ویژگی های هویتی خود را بشناسند بهتر می توانند در جهان اجتماعی به ارتباط بپردازند. (متاسفانه در سطح جامعه افراد کمتری به خودشناسی دست می زنند).

خلاصه درس نهم:

هویت اجتماعی: شناختی که ما از موقعیت اجتماعی، جایگاه اجتماعی، نقش هایمان، انتظارات و حقوق مان در جامعه و گروه

های اجتماعی داریم هویت اجتماعی ما را تشکیل می دهد. هویت فرهنگی: شناختی که از عقاید، باورها و ارزش های

اجتماعی جامعه ی خود داریم هویت فرهنگی ما را تشکیل می دهد. جهان اجتماعی برای تداوم خود اعتقادات، ارزش ها

و فرهنگ (شیوه زندگی) خود را به فرد آموزش می دهد، تا فرد با موقعیت اجتماعی و تکالیف و حقوقش آشنا شود و مشارکت

اجتماعی پیدا کند. جامعه با آموزش های خود به ما کمک می کند تا هویت اجتماعی و هویت فرهنگی کسب کنیم.

اولین و مهم ترین آشنایی با جهان اجتماعی توسط خانواده صورت می گیرد سپس گروه همبازی ها، مدرسه، مجالس علمی

و مذهبی و رسانه های جمعی

جامعه پذیری: فرایندی که برای مشارکت اجتماعی دنبال می شود و هویت اجتماعی را شکل می دهد. (انتقال شیوه زندگی

از نسلی به نسل دیگر)